

# تحلیل ادراکات دبیران در خصوص جایگاه و کیفیت آموزش درس تفکر و سبک زندگی در مدارس متوسطه دوره اول

فاطمه صالحی راد<sup>۱</sup>

محمد خلاصی<sup>۲</sup>

## چکیده:

مقدمه: جان دیویی و بسیاری از همفکران او معتقد بودند که مدرسه محل پرورش قابلیت های اندیشیدن دانش آموزان است نه محل القاء مطالب. پروفیسور رابرت فیشر نیز معتقد است کیفیت زندگی و یادگیری ما به کیفیت اندیشیدن ما بستگی دارد. آموزش و پرورش کشور ما در راستای کیفیت اندیشیدن و کیفیت زندگی دست به ایجاد کتابی به نام تفکر و سبک زندگی برای پایه های ششم دبستان و هفتم و هشتم دوره اول دبیرستان زده است با توجه به تغییر سیستم آموزشی، شش ساله شدن دوره دبستان و منقسم شدن دوره دبیرستان به دو دوره متوسطه اول و دوم؛ تغییراتی نیز در عناوین و محتوای کتب و حتی ایجاد درس جدید صورت گرفت. مطالعه حاضر به بررسی جایگاه یکی از این کتاب های جدید به نام تفکر و سبک زندگی پایه هفتم که اکنون چند سالی از حضور آن در مدرسه گذشته، می پردازد.

## روش:

در این تحقیق از روش پدیدار شناسی کیفی استفاده شده است. مشارکت کنندگان این پژوهش از میان دبیران شاغل به تدریس درس تفکر و سبک زندگی در سه دبیرستان پسرانه مقطع متوسطه دوره اول از منطقه ۲ آموزش و پرورش انتخاب شده اند و داده های به دست آمده از مصاحبه با این عزیزان به روش کلایزی مورد تحلیل قرار گرفت.

## یافته ها:

داده های به دست آمده از تحلیل مصاحبه با معلمان و یا از طریق مشاهده امکانات و فضای مدرسه در ۴ مضمون اصلی و ۹ زیرمضمون طبقه بندی شد. مضامین اصلی عبارتند از: ۱- نحوه تدریس معلمان، ۲- امکانات مدرسه، ۳- همیاری کادر آموزشی، ۴- ارزشیابی.

## نتیجه گیری:

علیرغم تلاش قابل تقدیر نهاد آموزش و پرورش برای آموزش کلاسیک و مدرسه ای طرز تفکر و سبک زندگی گروه سنی کودک و نوجوان جامعه مدرسه ای باید اذعان کرد که این تلاش تا حدودی با ناکامی روبرو بوده است و شکست آن در همین سال های آغازین به خوبی ملموس است. بحث در مورد این که فرد، طرز فکر و سبک زندگی خود را از خانواده و محیط پیرامونی اش اخذ می کند و نمی توان با اجبار مدرسه ای آن را تغییر داد آن هم به سبک آموزش و پرورش دولتی، موضوعی است که جامعه شناسان باید به آن پاسخ دهند ولی آن نتیجه اصلی که از این مطالعه به دست آمد این است که میان تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و آنچه که به عنوان تحول روی داده اختلاف و شکافی وجود دارد. کتابی جدید وارد برنامه درسی شده اما در مدرسه پشتیبانی های لازم از آن به عمل نمی آید. نبود وسایل سمعی و بصری، توجیه نبودن کادر آموزشی، نحوه ارزشیابی، عدم تخصص دبیران در تدریس، نگذاردن دوره های آموزشی و یا کمبود آن و بالاخره وجود نواقص و یا اشکالاتی در موضوعات و مطالب کتاب تدوین شده بخشی از علل ناکامی این درس جدید هستند.

**کلید واژه ها:** تفکر و سبک زندگی، سند تحول بنیادین، پدیدارشناسی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران salehirad.fatemeh@gmail.com

mohammadkhalasi@yahoo.com

۲. کارشناس علوم سیاسی

## مقدمه:

"ان شر الدواب عندالله الصم البکم الذین لا یعقلون"؛ بدترین جنبندها کسانی هستند که کر و گنگ هستند و تعقل نمی کنند. پر واضح است که منظور قرآن از کر و لال عضوی نیست بلکه منظور آن دسته از مردم هستند که حقیقت را نمی خواهند بشنوند و یا می شنوند و لی به آن اعتراف نمی کنند. یکی از اصلی ترین آموزه های دینی دعوت به تفکر و تعقل است زیرا خداوند می خواهد تا انسان را از پلیدی دور نماید به طوریکه در آیه دیگری می فرماید: "و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون" بر آنانکه تعقل نمی کنند پلیدی قرار می دهد (قران کریم، سوره یونس، آیه ۱۰۰).

همچنین، احادیث زیادی از سوی امامان معصوم مبنی بر اهمیت تفکر و تعقل صادر شده است. چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: کثره النظر فی العلم یفتح العقل: کثرت فراگیری و تحقیق در علوم، عقل را می گشاید (علامه مجلسی، بحارالانوار). همچنین، از ایشان نقل شده که فرمودند: هیچ گاه پیامبر با مردم با کنه عقل خود صحبت ننمودند و فرمودند که رسول الله می فرمود: که ما جمعیت انبیاء ماموریم که با مردم به اندازه عقلشان با آنها سخن بگوییم که ظاهرا عقل در این روایت به معنی درک و فهم است (اصول کافی، ج ۱). در عرصه ادبیات فلسفی حکیم شپستری در کتاب معروف گلشن راز در پرسش و پاسخی به زبان شعر که متضمن باریکترین و دقیقترین حقایق فلسفی است چنین می سراید: (۱)

سوال:

نخست از فکر خویشم در تحیر  
چه بود آغاز فکرت را نشانی  
چه چیز است آنکه گویندش تفکر  
سرانجام تفکر را چه خوانی  
پاسخ:

مرا گفתי بگو چبود تفکر  
تفکر رفتن از باطل سوی حق  
کزین معنی بماندم در تحیر  
به جزو اندر بدیدن کل مطلق  
حکیمان کاندربین کردند تصنیف  
چنین گفتند در هنگام تعریف  
که چون حاصل شود دردل تصور  
نخستین نام وی باشد تذکر  
بود نام وی اندر عرف عبرت  
و زو چون بگذری هنگام فکرت  
تصور کان بود بهر تدبر  
ز ترتیب تصویرهای معلوم  
شود تصدیق نامفهوم، مفهوم

در حوزه ادبیات عرفانی میتوان به خاطر نزدیکی عرفان به یافتن معنا و مفهوم با ادراک باطن و معرفت قلبی پیوندی میان تفکر و عرفان برقرار دانست چنانکه خواجه عبدالله انصاری میگوید: تفکر، عبارت است از جستجو نمودن بصیرت قلب و چشم ملکوت، مطلوب خود را برای ادراک آن. (۲)

علما و اندیشمندان در حوزه تربیت نیز از منظر و دیدگاه خود تعاریف مختلف و متفاوتی ارائه داده اند که برای نمونه به مواردی اشاره میشود. ژاک بارزون می گوید: تفکر از لحاظ ذهنی یا درونی، فعالیتی است اتفاقی، نامنظم و ناهماهنگ (۳). در تعریف از جرج نلر آمده است "تفکر عبارت است از پاسخ در برابر مشکلی که نمی توانیم به توسط غریزه یا به طریق معمولی بدان فایق شویم" (۴).

بسیاری از معلمان موضع دیگری در قبال تفکر دارند، زیرا آنان اجرای جریانهای عادی را راحت تر تلقی می کنند و فاقد روح تازه جویی هستند، بنابراین از آثار ترک کردن روش معمول و برخورد به وضع غیر مطمئن می ترسند. از این روی بسیاری از معلمان و والدین تحت تاثیر چنین وضعیتی، از فکر کردن ترس دارند. آنها به علت اینکه نمی توانند نتیجه فکر کردن را در نظر بگیرند، از آن رو گردان هستند، بر این اساس آنها از ایجاد فرصت هایی که به شاگردان فکر کردن را می آموزد، خودداری میکنند، ترس آنها، ایشان را شکار عادات می سازد (۵). به راستی چرا می اندیشیم؟ آیا اندیشیدن یک نیاز است یا انگیزه یا آمیزه ای از هر دو مقوله؟ مسئله دیگری که ما را به تلاش برای یافتن معنای امروزی تری از تفکر و میدارد اطلاع از نقش تفکر در روند زندگی فردی است. همه ما به اهمیت و نقش تفکر در شکل دهی به

زندگی آگاهیم ولی می‌خواهیم نسبت و رابطه ای که میان تفکر و زندگی وجود دارد را بیابیم و به دیگران نیز آموزش دهیم. نوجوانان و جوانان در این میان جایگاه ویژه ای دارند و نظام آموزشی محل ویژه ای است که برای این کار در نظر گرفته شده است (۶).

این ادعا که هیچ راه عملی برای تدریس مستقیم فکر کردن وجود ندارد فقط می‌تواند از روی بی‌اطلاعی باشد. البته که راه های عملی وجود دارد. به عنوان مثال، سلسله درس های تفکر **CORT** سالهاست که در بسیاری از کشورها، فرهنگ ها و سطوح توانشی مختلف (کودک و بزرگسال) به کار رفته است. در ونزویلا هر کودک مدرسه رویی در خلال دوره تحصیلش هفته ای دو ساعت در کلاس تفکر شرکت میکند. در مالزی نزدیک به ۱۵ سال است که درس تفکر در مدارس علوم عالی آموزش داده میشود و در حال حاضر در

سنگاپور، استرالیا، نیوزیلند، کانادا، مکزیک و ایالات متحده آمریکا برنامه **CORT** در بسیاری از مدارس و مناطق آموزش و پرورش جریان دارد (۷). طی ۳۰ سال گذشته، حرکتی جهانی از سوی پژوهشگران، دست اندرکاران و سیاستگذاران برای کارآمدتر کردن نظام آموزشی شروع شده است (تدلای و رینولدز، ۲۰۰۰). عده زیادی با فریادهای قدرتمند جان دیویی موافق بوده‌اند که گفت: تا آنجا که به ذهن‌های کودکان مربوط می‌شود ... تمامی آنچه را مدرسه می‌تواند یا لازم است برای آنان انجام دهد پرورش قابلیت‌های آنها برای اندیشیدن است. یعنی به جای آنکه به کودکان بگویید به چه چیزهایی بیندیشند، لازم است به آنان کمک کنند تا روش‌های خودشان را برای فهم معانی پیدا کنند. در واقع اگر تفکر به معنای شیوه‌های درک معانی توسط کودکان باشد، در آن صورت پرورش مهارت‌های تفکر به آنان کمک می‌کند تا از یادگیری و زندگی چیزهای زیادتری کسب کنند. اما آیا می‌توان به کودکان آموخت که اندیشمندانی موثرتر باشند؟

کیفیت زندگی و یادگیری ما به کیفیت اندیشیدن ما بستگی دارد. اگر بتوانیم اندیشیدن بهتر را به شیوه‌ای منظم (سیستماتیک) بذرافشانی کنیم، در آن صورت بدون شک بهتر فکر خواهیم کرد. یک دلیل که همواره برای آموزش تفکر ارائه می‌شود، این است که اندیشیدن در ذات رشد و پرورش انسان نهفته است و هر کس حق دارد به پرورش قوای عقلانی خود بپردازد. آموزش تفکر بدان سبب به یک هدف تبدیل می‌شود که همه‌ی ما حیواناتی اندیشمند هستیم و حق داریم توانایی‌هایی را که تشکیل دهنده فردیت ماست، پرورش دهیم. پروفیسور رابرت فیشر در طرح توجیه دیگری برای آموزش تفکر می‌گوید: اگر از محرکات و چالش‌های صحیح عقلانی برخوردار شویم، احساس شغف می‌کنیم. مغزهای ما برای حل مساله سیم‌کشی شده و از حل معماهایی که در توان ما باشند لذت می‌بریم. یونانیان فلسفه را فرایند طرح سوال و حل مساله می‌دانستند که در پایان به لذت ختم می‌شود. طبق نظر آنان، انسان از طریق تمرین تعقل به رضایت خاطر و فضیلت می‌رسد (رابرت فیشر، ۱۹۴۳). آموزش و پرورش در ایران نیز هر ساله سعی می‌کند تا تحولی ایجاد کند و سیستم آموزشی را کارآمدتر نماید اما پاره پاره بودن این اصلاحات و مقطعی بودن آن نتیجه خوبی نداشته؛ شاید بتوان ایجاد کتابی به نام تفکر و سبک زندگی را یکی از جدیدترین تلاش‌های نظام آموزشی دانست. لذا، گروه بررسی و تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران با نوعی استدلال و تبیین فلسفه وجودی ایجاد برنامه آموزش تفکر، مبنی بر این که فرد در طول زندگی با سوالاتی مواجه است که برای یافتن پاسخ آن از اطلاعات قبلی استفاده می‌کند، اطلاعات جدید را جمع‌آوری می‌کند و مجهول را به معلوم تبدیل می‌کند؛ از این روی در برنامه درسی مدارس ابتدایی و متوسطه دوره اول کتابی به نام تفکر و سبک زندگی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته و می‌خواهد تا دانش‌آموزان درباره ابزار و منابع شناخت به تامل بپردازند (تبیین رویکرد برنامه و محتوای کتابهای درسی جدید التالیف، تهران، ایران، اداره آموزش و پرورش کل شهر تهران، ۱۳۹۳).

سبک زندگی دومین واژه‌ای است که در بخش مقدمه مورد تبیین قرار می‌گیرد. معادل واژه سبک در زبان انگلیسی کلمه (STYLE) و در لسان عربی تعبیر اسلوب بکار رفته است. اولین بار اصطلاح سبک زندگی در شکل نوین آن (Life style) توسط آلفرد آدلر در روانشناسی و در سال ۱۹۲۹ به کار رفت و منظور از آن توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان است. «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را دربر می‌گیرد (میریام وبستر، Merriam-Websters Collegiate Dictionary، ص ۶۲۷). اندیشمندان دیگری نیز، از سبک زندگی تعاریفی ارائه داده‌اند؛ مثلاً لیزر (۱۹۶۳) سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. یاسرمن (۱۹۸۳) سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که در بردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزشهاست و بالاخره از دیدگاه سویل سبک زندگی عبارتست از هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن (حسن چاووشیان و یوسف ابادری، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، مجله مهندسی فرهنگی).

چرا باید به سبک زندگی اهمیت داد؟ یکی از ابعاد مهم پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن و یا شیوه زیستن. اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان رستگاری و فلاح است باید به سبک زندگی اهمیت داد و اگر هم اعتقادی به معنویت نداشته باشیم باید برای زندگی راحت و برخوردار از امنیت به سبک زندگی مناسبی روی آوریم (۸). مسئله سبک زندگی در همه جای زندگی

مانند: اتوبوس، خیابان، خانه و... به ماربط دارد (۹). بی شک مواجهه فرهنگ اصیل ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است (۱۰).

اکنون چند سالی می‌شود که این دو واژه (تفکر-سبک زندگی) عنوان یک کتاب درسی شده‌اند و آموزش و پرورش سعی دارد تا آموزش رسمی و کلاسیک آن را بدست بگیرد. تنظیم یک برنامه درسی در دو مقطع ابتدایی و متوسطه دوره اول که در آن کتاب تفکر و سبک زندگی نیز قرار گرفته است شاید یکی از مهمترین تحولاتی است که پس از اجرایی شدن سند تحول بنیادین و تغییر نظام آموزشی صورت گرفت. اما، آیا تغییرات که به آرامی صورت گرفته است توانسته است موجب تحول گردد.

پذیرش یا عدم پذیرش برنامه درسی و روش تدریس آن از سوی معلم می‌تواند یکی از عوامل موثر در اجرای رخدادهای آموزشی در کلاس درس باشد. برای مثال اگر برنامه درسی و اهداف طراحی شده از طرف وزارت آموزش و پرورش کاملاً منطبق با نیاز دانش آموزان و جامعه باشد و مورد تأیید متخصصان تعلیم و تربیت قرار گیرد، اما مسئولان اجرایی مخصوصاً معلمان درک درستی از آن برنامه و اهداف نداشته باشند، این برنامه در عرصه عمل دچار مشکل خواهد شد (پس از انقلاب اسلامی و در طی سه دهه گذشته تلاش‌هایی برای اصلاح در نظام آموزش و پرورش کشور صورت گرفته اما علیرغم نتایجی که در بر داشته به خاطر ماهیت رو به تعالی آموزش و علم کافی نبوده و در حال حاضر این نهاد با چالش‌های جدیدی روبروست، زیرا برونداد فعلی این سیستم تعلیمی و تربیتی جوابگوی نیازهای جامعه نیست. تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی-ایرانی باشد. (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران). تحقق این هدف نیازمند نقشه راهی است که مسئولین فرهنگی و سیاسی کشور را ملزم نمود تا قدم‌هایی را برای ایجاد تحول در تعلیم و تربیت بردارند؛ لذا سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش تدوین شد. در تهیه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش کوشش شده‌است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق سال ۱۴۰۴ تبیین شود. چشم‌اندازی که در افق ۱۴۰۴ ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی-انقلابی و الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی. اما این تحول به همکاری و سخت‌کوشی همه معلمین عزیز، مدیران و سایر مخاطبین نیازمند است. لذا، ضرورت درک تحول بنیادین موجب طرح تدوین سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش گردید.

ابتدا این مسئله در شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با مشارکت صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی و کارشناسان آموزش و پرورش مسئله مذکور به تصویب رسید. مطالبی که در این بخش از مقدمه (بخش زیر) می‌آید گر چه به طور مستقیم به پژوهش انجام شده مرتبط نمی‌شود اما به شکل غیرمستقیم ارتباط دارند. زیرا ایجاد و یا تغییر در یک زیرساخت آموزشی (کتاب درسی) مستلزم ایجاد تغییر در زیرساخت‌های دیگر (فضای آموزشی، امکانات، معلم و...) است. لذا، باید دید در سند تحول بنیادین چه حرف‌هایی و چه نکاتی مطرح شده و در عمل یعنی در خارج از دنیای سند تحول بنیادین چه وضعیتی داریم؟ در بخشی از سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش با عنوان بیانیه ماموریت این چنین آمده است: «وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران).

بنابراین، این نهاد ماموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌ها زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم را در ساختاری کارآمد و اثر بخش فراهم سازد و انجام این امر مهم نقش زیرساخت در نظام تعلیم و تربیت رسمی را آشکارتر می‌سازد. سند تحول بنیادین که یکی از منابع این مقاله می‌باشد در بخش راه‌کارها مطالبی را در بخش‌ها و قسمت‌های مختلف ارائه می‌دهد که بخشی از آن که به این مقاله ارتباط می‌یابد. در ذیل و در میان مطالب ارائه می‌شود.

در بخش ۴ با عنوان تقویت بنیان خانواده راه‌کار ۵-۴ آمده است: اضافه نمودن درس مدیریت و سلوک مناسب خانواده به جدول برنامه درسی دوره متوسطه در تمام رشته‌ها و برای تمام دانش‌آموزان و راه‌کار ۶-۴ در باب تهیه و تدوین محتوای آموزشی برای دانش‌آموزان در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای اسلامی جهت آشنایی با ویژگی‌ها، نیازها و وظایف خانواده سخن می‌گوید.

در پی عملیاتی شدن این راه کار بود که کتاب تفکر و سبک زندگی برای دوره متوسطه اول در نظر گرفته شد و اکنون که دو سال از تدریس این عنوان درسی جدید در دبیرستان می گذرد و وارد سال سوم خود خواهد شد مسائل و مشکلاتی بروز کرده است که تبیین این رویکرد و تغییرات پیش آمده را لازم می کند. عدم آموزش لازم و کافی برای معلمینی که قرار بود این درس جدید را تعلیم دهند، جدی گرفته نشدن این درس در مدرسه و بعضی علل دیگر موجب شدند که این نهال تازه کاشته شده رشد نکند. این مقاله در پی این نیست تا مشخص کند چه کسانی و به چه میزانی در ایجاد مسائل و مشکلات پیش آمده نقش داشته اند بلکه به دنبال تبیین رویکرد و تبیین مسائل پیش آمده است.

همچنین، در بخش ۶ سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش با عنوان تنوع بخشی به محیط های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی راه کار ۱-۶ آمده است: «ایجاد توسعه و غنی سازی واحد اطلاعات و منابع آموزش و پرورش در سطح مدرسه (از قبیل کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات)» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران). در بخش ۱۴ با عنوان ایجاد و متناسب سازی فضاهای تربیتی با ویژگی ها و... راهکار ۱-۱۴ چنین آمده است: «طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی، تحولات جمعیتی، اصول شهرسازی و معماری و شرایط اقلیمی با تاکید بر استفاده از فناوری های نوین ساخت و تجهیزات آموزشی و رعایت الگوی معماری اسلامی ایرانی و توجه ویژه به نقش محوری نمازخانه در طراحی و معماری اسلامی» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران).

مهم ترین نهاد در تربیت عمومی و رسمی کشور وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه مسئولیت فراهم نمودن زیرساخت های لازم را در این امر مهم بر عهده دارد. در این راستا و با عنایت به تدوین سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش بود که تغییر ساختار نظام آموزشی از سال ۹۲-۹۱ شروع شد و در هر سال تحصیلی در دو پایه تحصیلی تغییراتی صورت گرفت. از جمله این تغییرات ظهور کتاب درسی جدیدی با عنوان تفکر و سبک زندگی بود که از پایه ششم دبستان شروع شد و طی سال های بعدی به مقطع بالاتر رفت و اکنون در پایه های هفتم، هشتم دوره اول دبیرستان تدریس می شود. اینکه این کتاب درسی جدید توانسته است چه جایگاه مناسبی برای خود در میان سایر دروس پیدا کند و در واقع از چه جایگاه و منزلتی برخوردار است؟، موضوع اصلی این پژوهش است و برای یافتن پاسخ به این سوال بود که باید به معلمینی که طی این چند سال تدریس این درس را بر عهده داشته اند مراجعه می شد. و نظرات کادر آموزشی مدرسه را جویا می شدیم. همچنین، باید خود کتاب درسی تفکر و سبک زندگی و امکانات موجود آموزشی مدرسه برای تدریس مورد بررسی قرار می گرفت. با ورود و توسعه گسترده فن آوری در مقوله فرایندهای یاددهی و یادگیری و علیرغم انتظار، کتاب درسی محوریت خود را از دست نداد و با وجود محبوبیت آموزش های الکترونیکی و مجازی هم در سطح سازمان آموزش و پرورش و هم در سطح دانشگاه، همچنان کتاب درسی مهم ترین رسانه و ابزار آموزش به حساب می آید.

اکنون به دوره ای رسیده ایم که حاکمیت انحصاری دولت بر تالیف و تدوین کتاب های درسی در حال فرو ریختن است. موسسات و مراکز آموزشی بخش خصوصی با جدیت کوشش می کنند تا در زمینه آموزش انحصار شکنی کرده و با تالیف کتاب های مفیدتر و ساده تری جمعیت سرگردان دانش آموزی و حتی معلمان را به سوی خود بکشند. شاید یکی از دلایل موفقیت این موسسات خصوصی در جذب دانش آموزان و معلمین، بی توجهی وزارت آموزش و پرورش به یافته های روانشناسان تربیتی و متقابلاً توجه این موسسات خصوصی و نیمه خصوصی به نظریه ها و یافته های روانشناسی در فرایند تولید کتاب های درسی است به طوری که جایگاه کتاب کمک درسی برای دانش آموزان، از جایگاه کتاب درسی، افزون تر شده است، و در مواردی نیمی از وقت بعضی از همکاران معلم عزیز را به خود اختصاص داده است و این امر موجب تفاوت در میزان و نوع اطلاعات دانش آموزان شده است و به طور کلی اتفاقی مبارک است که دولت انحصار خود را بر تدوین و تالیف کتب درسی از دست بدهد و بخش خصوصی بتواند سهمی برای خود دست و پا کند گرچه کسی منکر نقش تبلیغات در جلب توجه افکار نیست اما اذعان به این مطلب نمی تواند موجب نادیده گرفتن سهل انگاری عده ای در این سو (بخش دولتی) که کتاب های درسی مفیدتر و مناسب تری تالیف و تدوین نکرده و تلاش عده ای دیگر در آن سو (بخش خصوصی و نیمه خصوصی) باشد که توانسته اند با تدوین و تالیف کتب کمک درسی مناسب، از کتاب درسی پیش بیفتند. البته، ناگفته نماند که در بعضی موارد از رقابت سالمی در پیشبرد اهداف خود استفاده نکرده اند. و در این رقابت معلوم است که چه کسی پیروز است؟!

شاید نقشی را که معلم در بخش تعلیم و تربیت بر عهده دارد بتوان مهم ترین و قدیمی ترین نقش دانست، چرا که سال ها پیش از ایجاد کتاب، این معلمین بودند که امر تعلیم و تربیت را بر عهده داشتند؛ اما در عصر حاضر، معلم تابعی از کتاب است و معلمی ارزشمندتر به حساب می آید که بهتر بتواند محتویات کتاب درسی را به دانش آموز خود منتقل نماید. این انتقال اطلاعات را در آموزش و پرورش، اصطلاحاً

نحوه تدریس می‌گویند. اینکه معلمین نحوه تدریس خود را چگونه اخذ می‌کنند و اینکه نحوه تدریس معلمین درس تا چه حد استاندارد می‌باشد را باید در تقابل با امکانات مدرسه مورد بررسی قرار داد تا فهم مطلب به حقیقت نزدیکتر باشد. از شرکت‌کنندگان در این پژوهش خواسته شد تا در مورد نحوه تدریس خود و اثر لوازم و امکانات آموزشی بر کارشان نیز اظهار نظر نمایند.

همچنین، همیاری کلیه کادر آموزشی و پرورشی در امر تعلیم و تربیت به قدری با اهمیت است که تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان به موارد و مصادیقی از این نوع همیاری‌ها در پیشبرد اهداف آموزشی و یا در عدم موفقیت‌های خود، اشاره داشته‌اند. اینکه مدیر مدرسه، معاونین وی چه در بخش آموزشی و یا در بخش پرورشی چگونه می‌توانند در کار معلم تاثیر گذار باشند، بخشی از این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

مسئله مهم پژوهشی در اینجا این است که: آیا کتاب درسی جدید با عنوان تفکر و سبک زندگی توانسته است با توجه به ضرورت وجودیش مبنی بر آگاهی دانش‌آموزان از خود به عنوان فردی متفکر جایگاه مناسبی در برنامه درسی مدارس بیابد؟ همچنین، این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی در پی آن است تا همه عناصر ( معلم، امکانات مدرسه، همیاری مدیر و معاونین مدرسه و بالاخره روش ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان) موثر در وضعیت فعلی آموزش درس تفکر و سبک زندگی در سه مدرسه پسرانه مقطع متوسطه دوره اول را مورد بررسی قرار دهد؟

## روش:

این پژوهش به روش پدیدارشناسی انجام شده است. روش پدیدارشناسی یک روش سیستماتیک و ذهنی است که به توصیف تجارب و درک معانی آن به اجراء در می‌آید. در این روش اعتقاد بر این است که در پدیده‌ها و تجربیات زندگی جوهره‌هایی وجود دارند که قابل فهم و بررسی هستند. استفاده از پدیدارشناسی به منظور پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات به عبارت دیگر نسبت به پدیدارهایی است که بی واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق کیفی و پدیدارشناسی عبارتند از: مشاهده، مصاحبه، تحریر میدانی، اسناد و مدارک و اغلب ترکیبی از اینها.

مشارکت‌کنندگان این پژوهش از میان دبیران آموزش و پرورش، شاغل در سه دبیرستان پسرانه در آموزش و پرورش منطقه ۲ شهر تهران انتخاب شده‌اند و معیار ورود آنان به این پژوهش تمایل به شرکت داوطلبانه آنان و داشتن ابلاغ تدریس درس تفکر و سبک زندگی در یکی از پایه‌های هفتم، هشتم و یا نهم دوره اول دبیرستان از سوی آموزش و پرورش منطقه ۲ شهر تهران بوده است.

جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها به صورت پیوسته و هم‌زمان صورت گرفته است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین روش جمع‌آوری، مصاحبه عمیق با سوالات باز بود و مشارکت‌کنندگان می‌توانستند آزادانه تجربیات کلاسی و آموزشی خود را در مورد موضوع مورد بررسی (جایگاه درس تفکر و سبک زندگی) به طور شفاف و دقیق توضیح دهند.

برای انجام مصاحبه با شرکت‌کنندگان، تنظیم وقت گردید و حتی در مواردی تعیین زمان و مکان مصاحبه به آن‌ها سپرده شد تا با فراغ بال و خیال راحت‌تری مصاحبه انجام شود. همچنین، قبل از شروع مصاحبه برای هر یک از آن‌ها، توضیح کافی در مورد هدف تحقیق داده شد و برای هر شرکت‌کننده یک جلسه مصاحبه با مدت زمان آزاد تعیین شد که برای بعضی حدوداً ۴۵ دقیقه و برای بعضی دیگر به ۷۰ دقیقه رسید. ابتدا، سوالات کلی‌تر مطرح گردید و سپس با طرح سوالات جزئی‌تر و ژرف، پیگیری گردید.

ادامه کار پژوهش با پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، پس از چندین و چند بار گوش کردن صورت گرفت تا مورد تجزیه و تحلیل واقع شوند. روش تجزیه و تحلیل هم با روش **کلاسی** انجام شد. به این صورت که متن مصاحبه‌ها، خوانده می‌شد و عبارات، جملات و اصطلاحات مهم مشخص می‌گردید و معنای آن‌ها به صورت کدهای مشخص نوشته می‌شد؛ سپس کدهایی که با یکدیگر مشابهت داشتند در یک طبقه تنظیم می‌شدند و برای هر طبقه نامی تعیین گردید؛ سپس مفاهیم مشترک طبقات باعث تلفیق آنان می‌گردید و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورد و نهایتاً توصیف کاملی از پدیده مورد نظر به دست آمد و در قالب مضمون و زیرمضمون (به شکل جدول شماره یک) سازمان‌دهی گردید.

به اضافه، مطالعه حاضر ریشه‌ها و محورهای اصلی "ارزش واقعی، کاربردی بودن، ثبات و تداوم؛ و بالاخره مبتنی بر واقعیت بودن" را در خود حفظ کرده است. در ارزش واقعی منظور این است که نتایج و بیانیه حاصل از تجربه برای مشارکت‌کننده قابل قبول باشد. این امر در این پژوهش از طریق مراجعه به شرکت‌کنندگان و تایید بیانیه حاصل، محقق گردیده است. کاربردی بودن نیز به معنی قابل اجرا بودن و اینکه آیا نتایج در مورد مکان‌ها (مدارس) و یا گروه‌های دیگر (دبیران سایر مدارس) قابل به کار بستن است، می‌باشد. در این مورد سعی

شد که شرکت کنندگان از میان دبیران شاغل با سوابق خدمتی متفاوت و محل خدمت متفاوت در بافت‌های متفاوت شهری (فقیر و غنی) انتخاب شوند و این پژوهش در این امر موفق بود زیرا دو بافت منطقه‌ای متفاوت؛ یکی منطقه نسبتاً فقیر، حاشیه‌ای و دارای مهاجران افغانی، شهرستانی و سنی مذهب فرحزاد و دیگری منطقه نسبتاً مرفه شهرک غرب را برگزید. ثبات و تداوم نیز در این پژوهش هنگامی روی داده است که مشارکت کنندگان در مصاحبه‌های خود پاسخ‌های نامتناقض و یکسانی به سوالاتی بامعنا و مفهوم مشترک و مشابه ولی در شکل‌های مختلف داده‌اند. و بالاخره این پژوهش را باید مبتنی بر واقعیت دانست زیرا در فرایند پژوهش سعی شد تا هم مصاحبه‌گر و هم مصاحبه‌شونده از هر گونه تعصب در مورد پدیده مورد پژوهش چه قبل از مصاحبه، یا در حین مصاحبه و یا پس از آن خودداری ورزند.

### یافته‌ها:

میانگین سنی در میان مشارکت کنندگان به طور متوسط ۵۰ سال و سابقه کاری آن‌ها نیز به طور متوسط ۲۵ سال می‌باشد. همچنین، میزان اطلاعات و تخصص آن‌ها نیز مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. بر اساس مدرک تحصیلی، ۳ نفر از شرکت کنندگان دارای مدرک کارشناسی، ۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد یک نفر دارای مدرک فوق دیپلم هستند. داده‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها پیرامون جایگاه و کیفیت آموزش درس تفکر و سبک زندگی در ۹ زیرمضمون و ۴ مضمون طبقه‌بندی شد. همچنین کتاب به عنوان اصلی‌ترین مضمون جداگانه بررسی گردید. زیرا کتاب نقش محوری در فرایند یاددهی و یادگیری دارد.

همچنین، کتاب‌های درسی تنها از جنبه‌ی ابزاری برای آموزش مطرح نیستند بلکه کاربرد گسترده‌ی آنها در سازمانها و بخش‌های آموزشی حتی در صنعت، افراد را در معرض ایده‌ها و عقاید و افکار گوناگونی قرار میدهد.

متأسفانه، کتاب‌های درسی به اندازه‌ی نقشی که در فرایند یاددهی و یادگیری دارند در سالهای پیشین مورد توجه قرار نگرفته‌اند و حتی در مواردی از هدف اصلی خود دور افتاده‌اند و لذا لازم است تا یک کتاب درسی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل جدی قرار گیرند و این نکته اساسی در آنها بازبایی شود که آیا مطالبی که در آنها گنجانده شده در آماده‌سازی نوجوانان و جوانان برای ورود به جامعه مفید بوده یا باعث تلنباری از اطلاعاتی است که تا پایان زندگی از آن بهره‌ای نخواهند برد.

| جدول شماره یک: مضمون‌ها و زیرمضمون‌های مورد مطالعه |  |
|--|--|
| مضمون‌ها   | زیرمضمون‌ها  |
| نحوه تدریس   | ۱- شیوه سخنرانی<br>۲- استفاده از کتاب<br>۳- استفاده از وسایل سمعی و بصری |
| امکانات مدرسه                                      | ۱- کلاس استاندارد<br>۲- اتاق و امکانات ویژه برای نمایش فیلم و اسلاید     |
| همیاری   | ۱- مدیر مدرسه<br>۲- معاونین آموزشی و پرورشی                              |
| ارزشیابی   | ۱- فرآیند محور<br>۲- نتیجه محور  |

### کتاب درسی

کتاب درسی مهمترین ابزار یادگیری است و رسانه‌های آموزشی دیگر حول محور کتاب درسی قرار دارند. در حقیقت کتاب درسی نقش محوری را در فرایند یاددهی-یادگیری به عهده دارد (نوریان-محمد، ۱۳۹۲، ص ۱۱، تحلیل محتوای کتابهای درسی). همه‌روزه معلمان و دانش‌آموزان از کتاب درسی به عنوان مهمترین و موثرترین مرجع برای پیشبرد کار خود بهره می‌جویند. کتاب درسی منبع موثقی از اطلاعات از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین سطوح است که می‌تواند در هر سطح و هر موضوعی نگرش‌ها و رفتارها را شکل

بدهد. بر اساس دستور العمل دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش یک کتاب از سه بخش تشکیل شده است: ۱- قسمت مقدماتی شامل پیش‌گفتار (مقدمه) فهرست و... ۲- قسمت میانی شامل فصول یا واحدهای یادگیری و... ۳- قسمت پایانی شامل پیوستها، منابع و ماخذ و ...

بررسی مختصری از یکی از کتاب های تفکر و سبک زندگی (تفکر و سبک زندگی، پایه هفتم) نشان میدهد که کتاب و بخش تفکر آن با داستان یک کلاغ شروع میشود و سپس وارد روش انجام پروژه پژوهشی میشود (که در دوره کارشناسی چند واحد درسی محسوب میشود). در بخش دوم خودشناسی مطرح می‌گردد و یک آزمون خود آگاهی برای کار در منزل. بخش بعدی به یادگیری و معرفی الگویی در زمینه یادگیری میپردازد. بخش بعدی مدیریت زمان است. در صفحه ۳۰ این کتاب آداب و مهارت‌های زندگی با تاکید بر الزامی بودن آن مطرح میشود و در صفحه ۵۰ تعاریفی از سبک زندگی ارائه و موقعیت‌های فرضی مطرح میشود مثل مسخره شدن پسری به نام حمید و اینکه حمید این وضعیت را تحمل میکند و کتاب از دانش آموزان می‌خواهد برای مشکل او راه حلی ارائه دهند! سپس وارد بخش سوم فعالیت‌های الزامی تفکر و پژوهش میشود. در این بخش در مورد تعادل، سراب و ارائه گزارش مطالبی مطرح میشود. بخش چهارم به آداب و مهارت‌های زندگی میپردازد مثل: آداب معاشرت، ارتباط با خانواده و همسایگان، تضاد و اختلاف، اضطراب، خشم و کنترل آن. همچنین، کتاب دارای تعدادی فرم‌های کامل کردنی که ارزیابی از خود را تا حدودی نشان میدهد و تعدادی داستان که باید ذهن دانش آموز را در خود درگیر کند می‌باشد. همچنین، در سراسر کتاب به فرم‌هایی بر می‌خوریم که باید توسط دانش آموزان یا معلم کامل شوند اینک کتاب درسی تدوین شده با عنوان تفکر و سبک زندگی دارای چه نکات مثبتی میباشد و یا چه نقدهایی بر آن واقع است، خارج از حوصله این مقاله است اما در بخش بعدی با بعضی نظرات مدرسین و معلمین این کتاب‌ها، آشنا میشویم. شاید یک بررسی میدانی بتواند به مولفان این کتاب‌ها در یافتن نتایج کارشان کمک نماید.

#### نحوه تدریس:

این مضمون نشان‌دهنده مهمترین عامل در انتقال دانش و اطلاعات به دانش‌آموزان است. انسان آموختن را از بدو تولد و با آموزگاری مادر خویش آغاز می‌کند ولی بخش عمده‌ای از آن به نهاد آموزش و پرورش سپرده شده است و در این میان مدرسه و سرانجام معلم بیشترین نقش را بر عهده دارد. در مورد شیوه و یا نحوه تدریس نظریات گوناگونی وجود دارد اما آنچه که هنوز به عنوان رایج‌ترین شیوه در کشور ما وجود دارد همان شیوه سخنرانی است. همه ما کم و بیش با این روش تدریس آشنایی داریم و به خوبی می‌دانیم که شیوه سخنرانی روشی یک سویه است که معمولاً فراگیرنده یا مخاطب در آن نقش غیرفعال دارد (عباس خورشیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹، روشها و فنون تدریس). از معلمین در مورد روش تدریسشان برای آموزش کتاب سوال شد و چون شیوه سخنرانی رایج‌ترین شیوه تدریس است (شاید، علت اصلی آن عدم سرمایه‌گذاری مناسب در زیر ساخت‌ها باشد) شرکت کنندگان دلایل مختلفی برای استفاده از این شیوه داشتند. یکی از شرکت کنندگان معتقد است که: "به خاطر بالا بودن تراکم دانش‌آموزی در کلاس روش‌های دیگر تدریس قابل اجرا نیستند. من در کلاسی تدریس می‌کنم که ۳۸ نفر دانش‌آموز دارد و این وضعیت فقط مربوط به امسال و در این مدرسه نیست. چند بار سعی کردم که از شیوه‌های دیگری مثل: شیوه بحثی و یا شیوه نمایشی استفاده کنم اما با شکست مواجه شدم و علت آن هم تراکم بالای دانش‌آموزان بوده است." یکی دیگر از شرکت کنندگان در همین رابطه می‌گوید: "من از بچگی به داستان گویی و نطق و سخنرانی کردن علاقه داشتم و برای همین روش سخنرانی رو برای تدریس استفاده می‌کنم، البته سعی میکنم تا نکاتی مثل: سرعت صدا، تلفظ، مکثها، استفاده از کلمات مانوس و بعضی نکات دیگر را رعایت کنم تا به جذابیت کلاسم افزوده بشه." او در مورد روشهای دیگر که باعث جلب مشارکت دانش‌آموزان شود می‌گوید: "روش‌های دیگر بعضی مثل شیوه نمایشی خوبند اما خیلی وقت گیر هستند با این حال برای تنوع در کلاس از بچه‌ها می‌خواهم تا بخشی رو برای نمایش آماده کنند و جلسه بعد در کلاس اجرا کنند. بعضی اوقات هم به بچه‌ها موضوعی از درس رو برای کنفرانس میدم." یکی دیگر اظهار داشته: "برای تدریس معمولاً از روش سخنرانی استفاده می‌کنم اما این کتاب رو باید با شیوه بحث جلو برد. مثلاً من سوال یا نکته مبهمی رو در مورد فیلمی که بچه‌ها دیدند طرح می‌کنم، سپس بحث در مورد اون شروع میشه و بیشتر وقت‌ها مطالب خیلی خوبی مطرح میشه که به ذهن خودمم هم نرسیده بود. البته فقط عده معدودی در بحث شرکت میکنند." از او میپرسم چرا عده کمی در بحث شرکت می‌کنند؟ ایشان پاسخ دادند: "دلایل متعددی وجود داره مثلاً عده‌ای (که تعدادشون اتفاقاً در شاگرد های ممتاز هر روز زیاده هم میشه) خجالتی هستند؛ عده دیگری توانایی فکریشون کم است و نمی‌توانند در بحث شرکت کنن، بعضی‌ها به شدت بیخیال و بازیگوش هستند که عده خیلی زیادی هم هستند (به نظر من به مقتضای سن و سالشون رفتار می‌کنند) به هر حال شیوه بحث همیشه هم جواب نمیده مثلاً در مورد داستان کلاغ همه بحث کردیم و لی هیچ کس جواب صحیح رو نگفت در آخر سر که جواب رو گفتم (کلاغ با ریختن سنگریزه‌های زیادی



باعث میشود تا آب بالا بیاید و بتواند آب بخورد) خیلی دانش آموزان نامیدانه میگفتند: یعنی این کلاغه بهتر از ما میفهمه که انسان هستیم! و این داستان رو واقعی نمی دونستند." (داستان کلاغ جهت اطلاع به صورت خلاصه شده: روزی کلاغی تشنه، در گوشه روستایی، کوزه آبی دید منقارش را داخل کوزه فرو برد اما دهانه کوزه تنگ بود و آب کمی در کوزه بود به نظر شما چه راهی به ذهن کلاغ رسید تا بتواند کمی آب بنوشد؟

در چارچوب زیرمضمون دوم با عنوان نقش کتاب، شرکت کننده دوم اظهار می کرد: حجم مطالب ارائه شده در کتاب گاهی به قدری زیاد است که فقط به شیوه سخنرانی می توان کتاب را به سرانجام خود رساند. مطالب ارائه شده کتاب تفکر و سبک زندگی از حوضه های مختلفی است و معلم و شاگرد را بی حوصله می کند. مثلا، در حالی که یک تفکر فلسفی در قالب یک درس در حال شکل گیری است به یک باره بحثی اخلاقی یا مذهبی مطرح می شود یا یک کار پروژه که تفکر پژوهشی را پرورش می دهد مطرح شده است. مثلا در مورد داستان کلاغی که با ریختن سنگ ریزه در داخل یک کوزه، کاری می کند که آب کوزه بالا بیاید و بتواند آب بخورد؛ کتاب سوال طرح میکند که به نظر شما کلاغ برای حل مشکل خود از کدام یک از موارد استفاده کرد؟ "عقل، دانش یا تجربه". عده زیادی از بچه ها می گفتند: "پس ما که نتوانستیم به جواب برسیم نه عقل داشتیم نه دانش و نه تجربه!؟" شرکت کننده دیگر اظهار میدارد: "در مجموع کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم کتاب خوبی است اما بدون عیب نیست. مثلا بخش روش مطالعه و نحوه یادگیری خیلی خوب ارائه شده ولی متاسفانه زود تموم میشه باید به جای ارائه یک الگوی موثر برای مطالعه، چند روش رو کتاب معرفی میکرد. من خودم در کلاس از بچه های زرنگ کلاس می خوام تا روش مطالعه خودشون رو توضیح بدن. در طول سالهای خدمتم متوجه شدم که خیلی از بچه ها اصلا روش مطالعه ای ندارند و به روش من درآوردی خودشون مطالعه می کنند. یا در مورد راستگویی و ارزش آن که جامعه ما در حال حاضر به اون خیلی نیاز داره فقط یک حکایت کوتاه از گلستان سعدی ذکر شده. آیا همیشه داستان های جدید و مناسب با نسل حاضر در مورد ارزش راستگویی طراحی کرد. ارتباط با سعدی و حکایتش شاید برای من پنجاه ساله ساده و لذت بخش باشد اما برای یک نوجوان دوازده یا سیزده ساله! در ضمن چرا فقط یک صفحه، چرا یک بخش یا یک فصل در مورد راستگویی صحبت نمیشه؟" یکی دیگر از شرکت کنندگان می گوید: کتاب اشکالاتی دارد، اولاً، در قطع و اندازه کتابها باید کارشناسی صورت بگیرد مثلا سن و سال کودک باید مد نظر باشد؛ همچنین، آیا هر کتابی رو باید در قطع بزرگ چاپ کرد یا باید شامل درس خاصی باشه؛ دوم، کتاب آکنده از فرم هایی است که هیچ فایده ای ندارند مثلا همه می دانیم در فرم های ارزیابی از خودیا خود شناسی، بیشتر افراد پاسخ های صادقانه و درستی نمی دهند مثلا باید به این جمله پاسخ بله یا خیر داد. سخن خود را واضح و روشن میگویم بله یا خیر؟ خوب خیلی مشخص است که همه باور دارند که واضح حرف می زنند. دو ساله این کتاب رو درس میدم هنوز یک نفر دانش آموز پیدا نکردم که بگوید من واضح و روشن حرف نمی زنم. یا بعضی جمله ها برای بچه ها نا مفهومند مثل: انسانی درونگرا هستم."

شرکت کننده ای در رابطه با زیرمضمون استفاده از وسایل سمعی و بصری می گوید: "ما معلمین می توانیم در تدریس هر درسی از وسایل سمعی و بصری استفاده کنیم، چرا که کاربرد آنها برای برانگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیری موثر است اما همیشه کمبود در این زمینه ها باعث دل سردی و سست شدن اراده ها می شود. فیلم های مربوط به کتاب تفکر خیلی مفید و خوب انتخاب شده اند اما مدیران مدارس پشتیبانی لازم را برای آماده کردن کلاس یا اتاقی که فیلم رو در آن نمایش دهند از خود نشان نمی دهند." شرکت کننده دیگری اظهار داشته که: "من از دانش آموزانم می خواهم تا پس از نمایش فیلم آن را نقد کنند و نظر خود را بگویند اما به علت تراکم بالای دانش آموزی این کار به طور کامل امکان پذیر نیست. اگر کلاسی با تراکم پایین تر، مثلا حدود بیست نفر داشته ماما حتما بازده بیشتر داشت؛ با این حال از بچه ها می خواهم که روی یک برگه نقد یا نظر خود را بنویسند. البته، بعضی وقتها نظرات اون ها رو در مورد فیلمی که دیدن می خوام ولی خوب این کار وقتی برای ادامه تدریس باقی نمی ذاره."

### امکانات مدرسه:

این مضمون به بررسی فضای آموزشی و تناسب آن برای تدریس کتاب درسی "تفکر و سبک زندگی" می پردازد و شرکت کنندگان در این باره تجارب خود را این چنین بیان نموده اند: اولین مصاحبه شونده معلم بازنشسته ای با ۳۳ سال سابقه تدریس که در حال حاضر به صورت حق التدریس در مدرسه ای در منطقه ۲ شهر تهران مشغول به تدریس این درس است وی می گوید: "کلاس ها استاندارد نیستند،

نه تنها برای این درس بلکه برای هیچ درسی و با حالت سوالی می پرسد: به نظر شما نباید فضای آموزشی برای تدریس زبان انگلیسی با آموزش ریاضی متفاوت باشد؟ معلم کار و فن آوری که یک درس کارگاهی دارد و برای آن نیاز به یک کارگاه و سایت کامپیوتری دارد در همان کلاسی درس می دهد که من درسی تئوری از علوم انسانی را تدریس می کنم! امکانات مدرسه خیلی ضعیف است. من برای تدریس این درس نیاز به استفاده از سیستم های سمعی و بصری هم دارم ولی در این مدرسه با این که امکانات لازم فراهم شده اما کافی نیست و معمولاً معلم کلاس دیگری در حال استفاده است. حکایت یک مویز است و چهل قلندر!"

شرکت کننده دیگری در چارچوب زیرمضمون امکانات ویژه برای نمایش می گوید: "خود من بارها با مشکلاتی برخورد کرده ام. یک بار دستگاه کامپیوتر وجود ندارد، یک بار خراب است؛ یک بار قبل از ما بچه های کلاس دیگری رفته اند؛ مدارس بخش غیر دولتی خیلی راحت تر عمل می کنند چون اکثرًا از تخته هوشمند استفاده میکنند ولی در مدارس دولتی هنوز مثل صد سال پیش که مرحوم میرزا حسن رشیدی با گذاشتن یک تخته سیاه و چند نیمکت کلاس درس رو به سبک جدید درست کرد؛ عمل میشه. آیا وقت آن نرسیده که دولت بودجه فضای آموزشی و امکانات آموزشی رو افزایش بده؟" شرکت کننده دیگری در رابطه با این زیرمضمون اظهار داشته: "ما در مدرسه امکانات لازم رو داریم ولی در جای مناسبی قرار نگرفته مدیر مدرسه ابتدای سال قول داد تا تجهیزات نمایشی را از نمازخانه به اتاق ویژه ای برای این کار منتقل کند ولی این قول هیچ وقت عملی نشد. نمازخانه اولاً از اسمش پیداست برای چه کاری ساخته شده! دوماً به قدری بزرگ است که در زمستان اصلاً گرم نمیشه و بچه ها سرما می خورند من هم ترجیح میدهم که بچه ها سرما نخورند یعنی اول سلامتی بچه ها برایم مهم است."

در مورد زیرمضمون فیلم و اسلاید شرکت کنندگان تجارب خود را این چنین اظهار کردند: "فیلم های آموزشی در نظر گرفته شده بعضی جنبه فلسفی دارند که برای دانش آموزان در رده سنی پایه هفتم و هشتم قابل فهم نیست. "من خودم به سختی می توانستم معنا و مفهوم فیلم را بفهمم چه رسد به دانش آموزان. بهتر است نامگذاری فیلم ها بیانگر محتوای درونی آن ها باشد تا بچه ها برداشت بهتری داشته باشند. شرکت کننده دیگر می گوید: "همیشه باید دنبال سی دی فیلم های درس تفکر بگردیم و یا از بچه ها بخواهم که سی دی مربوطه به درس رو در منزل، از سایت دانلود کنند و بیارن. بهتره که مسئولین مدرسه تمام فیلم های مربوط به کتاب درسی تفکر و سبک زندگی و بلکه فیلم های آموزشی سایر درس ها رو در یکی از درایو های کامپیوتر بریزند تا همیشه در دسترس باشند ولی همین کار ساده هیچ مسئولی نداره. در ضمن برای بعضی موضوعات مهم کتاب فیلمی در نظر گرفته نشده؛ به عنوان مثال بخش روش مطالعه و یادگیری کتاب تفکر پایه هفتم که حدوداً چهار یا پنج صفحه است، واقعاً نیاز به یک فیلم آموزشی داره، اما کتاب فقط بصورت تئوری و بدون هیچ جذابیتی این بخش رو مطرح کرده و بچه ها خیلی کم جذب این مطلب میشوند."

همیاری:

|                           |                          |
|---------------------------|--------------------------|
| نخواهی که ضایع شود روزگار | به ناکار دیده مفرمای کار |
| گرت مملکت باید آراسته     | مده کار معظم به نخواستہ  |
| رعیت نوازی وسر لشگری      | نه کاریست بازبچه و سوسری |

(سعدی)

در تعریف مدیریت شاید کوتاه ترین و کاربردی ترین جمله این باشد؛ هنر انجام دادن کار بوسیله دیگران (فالت-۱۹۲۴). در تعریفی دیگر مدیریت فعالیتی است منظم در جهت تحقق هدفهای معین (علاقه بند، علی، مدیریت عمومی).

این مضمون به نقش مدیر و مدیریتی که در مدرسه از طریق خود و یا معاونینش اعمال می کند پرداخته است. اهمیت این مضمون اگر بیشتر از سایر مضامین نباشد مسلماً کمتر از آن ها نخواهد بود. بهترین برنامه ها اگر به مدیرانی ناشایسته واگذار شوند بدترین و کمترین بازدهی را خواهند داشت و بدترین برنامه ها و طرح ها نیز اگر در دست مدیرانی لایق و کارآمد قرار بگیرد با شایستگی هایی که از خود در اجرا نشان می دهند به برنامه هایی موفق تبدیل می شوند.

یکی از شرکت کنندگان نظرات و تجربیات خود را در مورد همیاری مدیر و معاونین این گونه بیان می کند: «مدیر مدرسه فقط به درس ریاضی اهمیت میدهد و حالا در کنارش گوشه چشمی هم به درس علوم، عربی و زبان انگلیسی هم داره. نمی دونم شاید هم حق داره! چون اولیای دانش آموز هم وقتی برای پرسیدن درس بچه اش به مدرسه می آید؛ سراغ معلم ریاضی و علوم رو می گیره. مدیر مدرسه ما اصلاً به درس تفکر و سبک زندگی نگاه جدی نداره. برای پر کردن ساعات تدریس معلمینش، این درس رو به هر معلمی و با هر مدرکی داده است».

شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «درس تفکر و سبک زندگی در مدارس خیلی زود از بین میره و بلایی سرش میاد که سر درس هنر اومده! شما الان ببین هنر در مدرسه توسط چه کسانی تدریس می‌شود؟ توسط معلم ریاضی، علوم و هر معلمی که برای تدریس درس اصلی خودش نیاز به وقت بیشتری داشته باشه! و این کار رو و این بلا رو چه کسی سر درس هنر آورد؟ مدیر مدرسه و مدیران بالادستی او».

شرکت‌کننده بعدی اظهار می‌دارد: «مدیر ما اخلاق نداره. اصلا نمیشه با یک من عسل خوردش. اگر هم کاری باهاش داشته باشم به یکی از معاونینش میگم. یکی از معاونینش آدم خوبی به همه احترام میذاره. هر وقت کاری داشتیم برام انجام داده. مثلا برای نمایش فیلم خیلی تلاش کرد تا اتاق نمایش فیلم رو آماده کنه. اما دو ماه یا سه ماه از آغاز سال تحصیلی نگذشته بود که آقای مدیر، نمی‌دانم به چه دلیلی وسایل نمایش فیلم رو به نمازخانه منتقل کرد و این مسئله مصادف با شروع فصل سرما بود و چون نمازخانه خیلی بزرگ و سرد بود عملا هیچ معلمی جرات نمیکرد بچه‌ها رو برای نمایش فیلم به اونجا ببره. من فقط یکبار تونستم دانش‌آموزان را برای آموزش فیلم به اتاق فیلم ببرم».

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان که خود سال‌ها سابقه مدیریت دارد می‌گوید: «گرچه قضاوت در مورد کار مدیران با توجه به محدودیت‌هایی که دارند سخت است اما باید اعتراف کرد در کشور ما بیشترین آسیب به برنامه‌ها و طرح‌ها در هر زمینه‌ای از سوی مدیران و به خاطر سوء مدیریت آن‌ها بوده است. مدیر مدرسه من بیشتر به یک پیمانکار ساختمانی شبیه است. همیشه در حال طرح و اجرا است. یا نمازخانه می‌سازد یا اتاق ورزش. به هر حال همیشه در حال ساخت و ساز و تعمیرات و نقاشی و از این جور حرف‌هاست. روابطش با اولیای دانش‌آموزان هم در همین محدوده‌هاست که مثلا از هر کی چقدر پول بگیره و افتخاراتش هم همین‌هاست که بگه چی ساخته و کجا رو تعمیرات کرده. اصلا خبر نداره که مثلا برای تدریس بهتر درس تفکر و سبک زندگی و کمک به معلمین و دانش‌آموزان نیاز به اتاق فیلم هست و او مسئول».

یکی از مشارکت‌کنندگان که دبیری است با ۲۵ سال سابقه تدریس و بچه‌ها خیلی به او علاقه دارند می‌گوید: «یکبار حتی وقتی برنامه امتحانی را بین بچه‌های کلاس پخش می‌کردند بچه‌ها متوجه شدند که برای درس تفکر امتحانی در نظر گرفته نشده و با تعجب و با خوشحالی می‌پرسیدند: «آقا درس تفکر امتحان نداره!» و متعجب‌تر چون تا حالا چنین چیزی را تجربه نکرده‌اند و خوشحال چون می‌دانند همه در این درس نمره قبولی خواهند گرفت و من متعجب‌تر از آنها جواب میدادم: «چرا داره! حتما یادشون رفته» (و با خودم می‌گفتم ان شاءالله که امتحان هم داره یعنی امیدوارم داشته باشه وگرنه دیگه نمیشه شما بچه‌ها رو سر کلاس کنترل کرد. آخه نمره امتحانی بچه‌ها یکی از مهم‌ترین وسایل کنترل و اداره کلاس است). ولی وقتی به مدیر مراجعه کردم گفت: «چون این درس فقط پنج نمره امتحان کتبی داره، خودتون تو کلاس امتحان بگیرید». من برای چنین مدیری متاسفم. آیا چون این کتاب، تازه وارد برنامه درسی مدارس شده است باید آن را جدی‌تر گرفت یا باید مثل این مدیر با آن برخورد سرد و قهرآمیز داشت و ارزش آن را در نزد دانش‌آموزان و معلمین کم کرد؟»

شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «من خود شاهد بودم که مدیر مدرسه ما با لبخند و با حالتی شوخی مانند (ولی کاملا جدی خطاب به معلم علمی که برای تدریس بهتر درس علومش به او تدریس درس تفکر و سبک زندگی چند کلاس را داده بود و ایشان هم وقت نکرده بودند بیشتر از ۱۵ صفحه در کل سال درس بدهند در حالی که لیست‌های ثبت نمره را به ایشان میداد می‌گفت: «ده دقیقه فرصت داری لیست نمره پایان سال درس تفکر و سبک زندگی رو بنویسی، به همه ۱۹ یا ۲۰ بده؛ یک کاری کن معدل بچه‌ها بالا بیاد».

## ارزشیابی:

ارزشیابی به فرایند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل، تفسیر اطلاعات و قضاوت در مورد میزان تحقق اهداف یک برنامه گفته می‌شود. با این قصد که مشخص شود آیا هدف‌های مورد نظر تحقق یافته‌اند یا خیر و به چه میزان؟ (سیف، ۱۳۶۸: ۳۲).

برای گذر از دوره‌های تحصیلی، رویکرد ارزشیابی نتیجه‌محور در پایان دوره‌ها و برای گذر از یک پایه به پایه تحصیلی دیگر از رویکرد ترکیبی (ارزشیابی فرایند محور و نتیجه‌محور) استفاده می‌شود (سند برنامه درسی ملی - اصل ۸-۱۰). در اینجا لازم است تا مختصری در این مورد بیان شود. ارزشیابی فرایند محور بوسیله ابزارهایی چون: انجام پروژه، پژوهش، تمرین‌ها و غیره به صورت روزانه، هفتگی، ماهانه، نیمسال تحصیلی و یا سالیانه است که در مورد این درس خاص (تفکر و سبک زندگی) شامل: مشاهده عملکرد فردی و گروهی دانش‌آموزان بوسیله معلم و ثبت در چک لیست، تکمیل برگه‌های خود ارزیابی توسط دانش‌آموزان در کتاب درسی، انجام دادن فعالیت‌های عملی و پروژه در منزل، تکمیل برگه‌های ارزیابی توسط والدین که بیانگر قضاوت آنان است، و سرانجام آزمون کتبی می‌شود. منظور از

نتیجه‌محور بودن ارزشیابی نیز، ارزشیابی از یادگیری‌هایی است که به خاطر مفهومی بودنشان باید از طریق آزمون کتبی یا شفاهی صورت گیرد.

ارزشیابی در این درس با توجه به بخشنامه‌ها و توصیه کتاب درسی به شرح زیر است. معلم در هر جلسه باید برگه ثبت مشاهدات تعدادی از دانش‌آموزان را تکمیل نماید که این کار به صورت مستمر صورت می‌گیرد و ارزش عددی آن ۵ نمره است. همچنین، معلم باید دو بار در هر نیمسال، برگه‌های فعالیت و خود ارزیابی کتاب دانش‌آموزان را که قبلا یا در کلاس و یا در منزل انجام داده‌اند مورد بررسی قرار دهد و با دقت از صحت انجام کار بچه‌ها مطمئن شود. این فعالیت نیز ۵ نمره دارد. همچنین، معلم باید برگه ارزیابی فعالیت پروژه هر دانش‌آموز را در هر نیمسال تحصیلی مورد بررسی قرار دهد که نمره این بخش هم ۵ نمره است. و بالاخره آزمون کتبی که در هر نیمسال تحصیلی برگزار می‌شود و دانش‌آموزان باید تعاریف و اصطلاحاتی را که کتاب در کادرهای تعیین شده قرار داده به عنوان اطلاعات پایه‌ای و اساسی حفظ نمایند نیز ۵ نمره دارد.

خلاصه فرایند اخذ نمره:

- ۱- برگه ثبت مشاهدات معلم ۵ نمره
- ۲- برگه خود ارزیابی کتاب دانش‌آموز ۵ نمره
- ۳- برگه ارزیابی فعالیت پروژه ۵ نمره
- ۴- آزمون کتبی ۵ نمره

یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «این نحوه نمره دادن در دبیرستان، کاری منطقی نیست. وقتی قرار باشه دانش‌آموز خودش به خودش نمره بده، درس بی‌ارزش میشه». در یکی از همایش‌هایی که آموزش و پرورش منطقه ۲ برگزار کرد یکی از مدرسین آموزشی که نحوه تدریس این کتاب رو توضیح می‌داد، می‌گفت: «در درس تفکر و سبک زندگی نقش ارزشیاب بر عهده معلم و دانش‌آموز، توامان است اما اختصاص نمره توسط معلم صورت می‌گیرد. من واقعا بابت این طرز تفکر، اظهار تاسف می‌کنم. انگار در جامعه پس از ظهور فرزند سالاری در نهاد خانواده، حالا باید شاهد پدیده شاگرد سالاری در مدرسه باشیم».

شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «در این درس ۲ نمره از ۱۵ نمره ارزشیابی مربوط به تکمیل برگه‌هایی است که توسط اولیاء دانش‌آموزان باید صورت گیرد؛ حالا شما در نظر بگیرید بچه‌هایی که پدر یا مادرشون به هر دلیلی این برگه‌ها رو کامل نکنند، آیا نباید این دو نمره را بگیرند؟ آیا باید خود معلم بدهد؟ اگر معلم به تشخیص خود این دو نمره را ندهد؛ ظلم کرده، چرا که مثلا بچه چند بار به اولیاء خود در مورد پر کردن و تکمیل برگه سفارش کرده، اما به علل مختلف قابل تصور (بی‌سوادی والدین، مشغله زیاد، فراموشی و...) آنها انجام نداده‌اند، نه دانش‌آموز در حالت دوم اگر خود معلم نمره بدهد، نقض غرض صورت گرفته؛ زیرا هدف این بوده که قضاوت خانواده در برگه نوشته شود نه معلم».

شرکت‌کننده بعدی اظهار می‌دارد: «من با این سیستم نمره دادن و امتحان گرفتن موافق نیستم. ۵ نمره برای امتحان کتبی، نسبت به دروس دیگری که بیشترشان ۲۰ نمره‌ای هستند خیلی کم است. چرا بین دروس در بخش ارزشیابی پایانی اینقدر اختلاف وجود دارد؟ اگر باز مثل بعضی درس‌های دیگر ۱۰ نمره امتحان کتبی بود، خیلی بهتر می‌شد».

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان نیز اظهار داشته: «من با این ساختار ۵ نمره امتحان کتبی و ۱۵ نمره عملکردهای فردی دانش‌آموزان کاملا موافقم. البته، موافقتم به این معنی نیست که خالی از اشکال است بلکه این سیستم نمره دادن برای محتویات این کتاب مناسب است اما برای درس‌های دیگر این شیوه‌ی مناسبی نیست. گرچه کلاس‌های من اینقدر شلوغ و پرتعداد است که من اصلا وقت و فرصت تکمیل برگه در کلاس رو ندارم. پس باید در خانه انجام بدهم و چون حقوق کافی نمی‌گیرم لذا شغل دومی دارم (شرکت‌کننده از بیان شغل دوم خود شرم دارد و نمی‌گوید اما بعد متوجه می‌شوم که راننده سرویس دانش‌آموزان همان مدرسه است) و پس از شغل دوم در خانه شغل سوم کار جعبه‌سازی انجام می‌دهم و بالاخره خودم هم به این نتیجه می‌رسم که همون بهتر که امتحان نداشته باشه تا من هم به کارهام برسم».

بحث و نتیجه گیری:

گمان نمی‌کنم در هیچ جای دنیا بتوان حتی یک نمونه سیستم آموزشی پیدا کرد که یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش را آموزش تفکر به دانش‌آموزان قلمداد نکند؛ اما آیا به راستی روش فکر کردن را به دانش‌آموزان یاد می‌دهند؟ فکر کردن به صورتی که گفتیم هرگز درست و حسابی در آموزش و پرورش آموزش داده نشده است، به خاطر اینکه آموزش و پرورش در دام سنت گرفتار است. دردنیای ایستا کافی است اطلاعات آموزش داده شود، زیرا چنین دنیایی در تمام طول زندگی دانش‌آموز همچنان به همین صورت باقی میماند. اطلاعات به شما می‌گوید که چکار کنید؛ در این صورت احتیاجی به فکر کردن نیست (۱۱).

مطالعه‌ای که پیش روی شماست، هدفی جز تبیین و توصیف تجارب دبیران شاغل به آموزش درس "تفکر و سبک زندگی" ندارد. یافته‌های این پژوهش تصویری نسبتاً واضح را از وضعیت و جایگاه درس تفکر و سبک زندگی در دوره اول دبیرستان نشان می‌دهد. این پژوهش نشان می‌دهد: دبیران شاغل به تدریس این کتاب، اکثراً معلم درس دیگری هستند و برای آموزش این درس به هیچ مدرک خاصی نیاز نیست؛ بطوریکه معلمین ریاضی، علوم، زبان انگلیسی، ادبیات فارسی، دینی و قرآن، تاریخ، جغرافی و حتی معاونین مدرسه مشغول به تدریس آن هستند و بیشترشان نیز هیچ دوره آموزشی ندیده‌اند. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که:

الف: تفکر و سبک زندگی دو مقوله‌ای هستند که افراد انسانی آن‌ها را به تدریج فرا می‌گیرند و در اکثر موارد به ارث می‌رسند (بخصوص سبک زندگی) اما انسان می‌تواند با آموختن و اکتساب معلومات آن‌ها را تغییر بدهد، اصلاح نماید و یا به کلی عوض کند. یافتن تفکر و سبک زندگی صحیح می‌تواند موجب خوشبختی، سعادت و تعالی انسان گردد. نهاد آموزش و پرورش برای اولین بار سعی نموده تا با تدوین یک برنامه درسی به آینده‌سازان این کشور (دانش‌آموزان) در یافتن نحوه تفکر صحیح و سبک زندگی مناسب کمک نماید. این اتفاق خیلی خوبی است که شاهدیم برای اولین بار به جای آنکه به کودکان بگوییم به چه چیزهایی بیندیشند به آنان کمک می‌کنیم تا روش‌های خودشان را برای فهم معانی پیدا کنند. یک دلیل که همواره برای آموزش تفکر ارائه می‌شود این است که اندیشیدن در ذات رشد و پرورش انسان نهفته است و هر کس حق دارد به پرورش قوای عقلانی خود بپردازد؛ پرورش ذهن بخشی از تربیت ماست زیرا بخشی از انسانیت ما را تشکیل می‌دهد (۵). اما آموزش کلاسیک و مدرسه‌ای آن‌ها ناکامی‌هایی روبرو بوده است. این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش و پرورش برای انجام منظور خود زبساخت‌های مناسب را فراهم نکرده است. بودجه کافی برای انجام مقصود خود در نظر نگرفته و به قولی خانه از پای بست ویران است - خواجه در بند نقش ایوان است.

ب: این پژوهش نشان داد که فقط با ایجاد یک کتاب و وارد کردن آن به برنامه درسی دانش‌آموزان نمی‌توان انتظار رسیدن به موفقیت را داشت. این کتاب در موارد متعددی توسط دبیرانی تدریس شده که بیش از بیست سال در رشته آموزشی و تخصصی خود تدریس می‌کرده‌اند (معلمین ریاضی، علوم، زبان انگلیسی و ...). همچنین، عده بسیار زیادی از معلمان به علت مشکلات حقوقی، کافی نبودن کلاس‌های ضمن خدمت، عدم تبحر اساتید و مدرسین مراکز آموزش ضمن خدمت و ... از کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای تدریس بهتر این درس محروم بوده‌اند.

ج: همچنین، این پژوهش نشان داد که کمبود و یا نبود ابزارهای آموزشی مانند اتاق فیلم جریان آموزش را با اخلاص مواجه نموده است و موجب دلسردی معلمین و دانش‌آموزان شده است، از سوی دیگر نبود نظارت کافی از سوی مدیران مدارس در امر آموزش و همچنین بی‌اعتنایی بعضی از مدیران به این درس و توجه کامل آنان به دروسی مانند ریاضیات، علوم و ... موجب شده تا به آن فقط به عنوان یک نمره که به افزایش معدل کل دانش‌آموز و به طبع آن بالا بودن معدل مدرسه و آمار قبولی کمک می‌نماید نگاه کنند.

د: در بخش ارزشیابی نیز این پژوهش نشان داد که ارزشیابی فرایند محور در مراکز آموزشی ما جایگاه مستمر و محکمی ندارد (منظور از فرایند محور بودن ارزشیابی؛ ارزشیابی‌هایی است که از طریق انجام پروژه، پژوهش، انجام تمرین و غیره به صورت روزانه، هفتگی، ماهانه، نیمسال تحصیلی و سالیانه باید در خانه یا مدرسه توسط دانش‌آموز یا اولیای وی صورت گیرد. مانند: تکمیل برگه‌های خود ارزشیابی توسط دانش‌آموز و مشاهده این برگه‌ها و بررسی و دقت در صحت و سقم آن توسط معلم) لذا معلمین به دلایل متعدد مانند نحوه تدریس به سبک سخنرانی، بالا بودن آمار دانش‌آموزان در کلاس، نبود وقت کافی و هدر رفتن وقت، نبود و یا کمبود امکانات و فضای آموزشی و ... توجه بیشتری به ارزشیابی نتیجه محور دارند (منظور ارزشیابی از یادگیری‌هایی است که به خاطر مفهومی بودنشان باید از طریق آزمون کتبی یا شفاهی صورت گیرد) و بسیاری از آنان نه در بیان و تفکر بلکه در عمل به این نوع ارزشیابی اعتقاد دارند و به آن پایبندی نشان می‌دهند.

و: ازجمله نتایج این پژوهش نیز این مطلب است که علیرغم همه انتقادات و معایب ظاهری کار، تحولی در آموزش و پرورش در حال روی دادن است که همه امیدواریم ثمربخش و مفید باشد و این را باید به فال نیک گرفت که بالاخره این سیستم در حال به روز شدن

است، آموزش و پرورش باید فرایندی باشد که از طریق آن کودک به تدریج با ماهیت آزادی و شخصیت انسان آشنا شوند. آنچه کودکان در مدرسه ملاحظه می‌کنند خطر همیشگی کنار گذاشتن تفکرات واقعی آنان و جایگزین کردن آن با تفکرات معلمان است (رابرت فیشر، ۱۹۴۳، آموزش تفکر، ص ۱۶). به عبارتی عیب اساسی کتاب این است که در پی القای نحوه خاصی از تفکر است یعنی به روشی مصنوعی سعی میشود تا یاد بدهد که چگونه بیندیش؟ و یا سبک زندگی ات را چگونه قرار بده؟ در حالی که به جای آوردن خود ارزیابی‌ها و تست‌های گوناگونی که مجله‌های زرد و کتاب‌های روانشناسی را پر کرده است باید از روش‌های طبیعی استفاده کرد. از مدت‌ها قبل داستان را یک محرک طبیعی برای بحث و بررسی و حل مساله در مدرسه می‌دانسته‌اند. داستان یک وسیله‌ی طبیعی برای پرورش تفکر محسوب میشود (رابرت فیشر، ۱۹۴۳، آموزش تفکر، ص ۸۳) و طرح داستان‌هایی که تفکر انتقادی را برانگیزد بسا بهتر از ملزم کردن انتقاد از خود و پر کردن فرم‌های ارزیابی از خود است چراکه معمولاً پاسخ‌هایی که بصورت بله یا خیر به سوالات داده میشوند هم چندان صادقانه نیستند و هم نارسا، برای بیان آنچه که هستیم. لازم است تا دانش‌آموزان را با متونی داستانی آشنا سازیم که تفکر انتقادی آنان را بیدار کند.

Archive of SID

## یادداشت ها و منابع:

For discussion about the right of every individual to have his or her intellect developed see Machado, L.A. (1984). *The Right to be Intelligent*. New York: Pergamon Press, Siegel, H. (1984). *Educating Reason: Rationality, Critical Thinking and Education*.

کتاب‌های فارسی:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- بحار الانوار، علامه مجلسی
- ۳- اصول کافی، جلد یک
- ۴- اسماعیلی، علی، در قلمرو دین و معارف، تهران، انتشارات لقاء نور
- ۵- راهنمای برنامه درسی کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه (۱۳۹۲)، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- ۶- زارعی سورکی، عباسعلی و «همکاران»، تبیین رویکرد برنامه و محتوای کتاب‌های درسی جدیدالتألیف (دوره اول متوسطه)، تهران: اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران.
- ۷- سرمد، غلامعلی، آموزش تفکر، تهران، ایران، انتشارات بین‌المللی کاج
- ۸- معافی، محمود و «همکاران» (۱۳۹۳)، آداب و مهارت‌های زندگی؛ تفکر و سبک زندگی پایه هشتم دوره اول متوسطه (دختران و پسران)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۹- حکیم شبستری، محمود، گلشن راز، ترجمه کیانی و مجاهد، ص ۹ق
- ۱۰- امام خمینی (ره)، روح الله، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ چهارم، ۱۹۰، ۱۳۷۳.
- ۱۱- اسمیت، فیلیپ و هولفیش، گوردون، تفکر منطقی (روش تعلیم و تربیت)، ترجمه دکتر علی شریعتمداری، ناشر سازمان سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ص ۵۲.
- ۱۲- نلر، جرج. ف. آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۵۶، ص ۹۹.
- ۱۳- اسمیت، فیلیپ و هولفیش، گوردون، پیشین، ص ۳۴.
- ۱۴- شرفی، محمد رضا، تفکر برتر، نشر سروش، ۱۳۸۱، ص ۱.
- ۱۵- دوبونو، ادوارد، سلسله درس‌های تفکر، ترجمه مرجان فرجی، نشر رشد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۲.
- ۱۶- مقاله سبک زندگی [www.agri-jahad.ir](http://www.agri-jahad.ir)
- ۱۷- مجله اینترنتی سبک زندگی [enag.saza.ir](http://enag.saza.ir)
- ۱۸- سازمان تبلیغات اسلامی [old.ido.ir](http://old.ido.ir)
- ۱۹- دوبونو، ادوارد، پیشین ص ۲۱.